



## پای حرف‌های مردی که خاطرات نوجوانی‌اش اسارت و جنگ است

امروز مصادف است با روز نوجوان و بسیج دانش آموزی. بی دلیل نیست که این دو مناسبت در کنار هم قرار گرفته است

...

ایسنا/آذربایجان شرقی: امروز مصادف است با روز نوجوان و بسیج دانش آموزی. بی دلیل نیست که این دو مناسبت در کنار هم قرار گرفته است و اگر نگاهی به تاریخ دفاع مقدس بیندازیم، خواهیم دید نوجوانانی در جبهه های حق علیه باطل حضور داشتند که همانند قاسم بن حسن(ع) با شور و اشتیاق وصف ناپذیری برای دفاع از اسلام و رسیدن به شهادت در راه دین شتافتند.

نوجوانان و جوانانی که به ندای پیر و مرادشان لبیک گفتند و در ایامی که باید به تفریح و درس مشغول می شدند، بر رویاروهایشان پا گذاشتند و تا پای جان دست از نبرد با دشمن تا دندان مسلح برنداشتند و اجازه ندادند ناموس و خاک شان مورد تعرض قرار گیرد.

به سراغ یکی از رزمندگانی رفتیم که در ایام نوجوانی عازم جبهه شده بود و دست بر قضا به اسارت دشمن نیز درآمده بود و حرفهای تامل برانگیزی از دوران اسارتش داشت که شاید بازخوانی آن دوران برای نوجوانان و جوانان امروز خالی از لطف نباشد.

تاثیر نفس مسیحایی امام خمینی(ره) بر جوانان

غلامرضا احمدی در گفت و گو با ایسنا در خصوص زمان اعزامش به جبهه های نبرد حق علیه باطل اظهار کرد: من در سن ۱۴ سالگی در اولین دوره ی آموزش نظامی بسیج شهر تبریز شرکت کردم و یک سال بعد در ۱۵ سالگی توفیق پیدا کردم تا به جبهه عازم شوم.

وی با بیان اینکه در اوایل انقلاب نفس مسیحایی امام خمینی (ره) در بین جوانان و نوجوانان حال و هوای خاصی ایجاد کرده بود، ادامه داد: دشمن به کشور ما حمله و قسمتی از خاک کشور اسلامی ما را غصب کرده بود و در حقیقت به ناموس و انقلاب ما حمله کرده بود و ما برای دفاع از ارزش ها، انقلاب، نظام، خاک، ناموس و مردم به وظیفه خود عمل کردیم و تحت لوای فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) عازم جبهه های نبرد شدیم.

وی در خصوص اولین عملیاتی که در آن حضور داشت، گفت: در مراحل آخر عملیات فتح المبین توفیق پیدا کردیم که حضور داشته باشیم و اسارتمان نیز در مرحله سوم عملیات بیت المقدس اتفاق افتاد به طوریکه خرمشهر توسط نیروهای رزمندگان اسلام محاصره شده بود و در جریان سومین مرحله از عملیات بود که در تاریخ ۲۴ اردیبهشت سال ۶۱ در نزدیکی های مرز بصره و طلائییه بر اثر پاتکی که دشمن به مازد، من به همراه ۱۱ نفر از رزمندگان گردان ثارالله به اسارت دشمن درآمدم.

این آزاده سرافزار دوران جنگ تحمیلی به تشریح اوضاع نامناسب دوران اسارت در اردوگاه های عراق پرداخت و افزود: همان طور که از نام اسارت پیدا است ، اسارت سراسر سختی و محدودیت از مسائل دنیوی بود و دشمن نیز به هیچ کدام از اصول اخلاقی، انسانی و دینی پای بند نبود و بسیار ددمنشانه رفتار می کرد.

وی ادامه داد: در اواخر سال ۶۸ هیأتی از سازمان ملل متحد عازم اسارتگاه های عراق و هیأتی نیز عازم اسارتگاه های ایران شدند تا چگونگی نگهداری اسرا در دو کشور را بررسی کنند و شاید فقط یک صدم از شکنجه ها، ظلم ها و آزار و اذیت هایی را که عراقی ها با اسرای ایرانی انجام می دادند، منعکس شد اما با این حال، عراقی ها از طرف هیأت اعزامی از سازمان ملل متحد به عنوان ظالم ترین نگهدارنده اسیر در تاریخ شناخته شدند.

کمترین امکانات نیز برای اسرای ایرانی فراهم نبود

وی خاطرنشان کرد: اسرای ایرانی در اردوگاه های عراقی ها از کمترین امکانات یک زندگی ساده نیز محروم بودند و ما حتی در استنشاق هوا نیز مشکل داشتیم و از آب و غذا نیز محروم بودیم و به طور مداوم مورد شکنجه های جسمی

قرار می گرفتیم و عراقی ها کارهایی در جهت تضعیف روحیه اسرا انجام می دادند که بسیاری از آن شکنجه ها قابل توصیف نیست و تعدادی از اسرا و هم زمان ما در اثر تشنگی، تعدادی از شدت جراحت و عدم رسیدگی پزشکی و بسیاری از رزمندگان نیز زیر شکنجه ی عراقی ها به شهادت رسیدند.

توکل بخدا و توسل به اهل بیت(ع)، رمز ایستادگی در مقابل شکنجه ها

احمدی بیان کرد: در مقابل تمامی ددمنشی ها و رفتار ظالمانه عراقی ها که برای آن ها سراسر تاریکی و ننگ بود؛ صبر، مقاومت، شجاعت و ایستادگی اسرای ایرانی در مقابل آن شکنجه ها قابل بحث و گفتگو است، بطوریکه وقتی که بعد از گذشت سالیان زیاد از دوران اسارت، آن ایام را مرور می کنیم، متوجه می شویم که توکل به خداوند و عنایت الهی و توسل رزمندگان به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) یکی از رموز موفقیت ما در آن دوران بود و این یک وعده الهی است که «ان تنصروا الله ینصرکم» و «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل الملائکة»

وی ادامه داد: از طرفی نیز اگر میزان شکنجه ها و آزار و اذیت های عراقی ها را با سن و سال کم خود مقایسه کنیم، عقل ظاهری نمی تواند باور کند که ما آن شکنجه ها را تحمل کردیم اما با توجه به اینکه در آن ایام روحیه ی خاصی در بین رزمندگان بود و هدف و آرمانی که وجود داشت و با توجه به این که شهدای کربلا الگوی ما بودند و حضرت زینب (س) به عنوان نمونه ی جاودانه ی مقاومت در تاریخ اسلام برای ما الگو و اسوه بود، زمانی که مصائب اهل بیت را به یاد می آوردیم می فهمیدیم که شکنجه های عراقی ها چیز خاصی نبود.

دشمن شناسی ، رمز موفقیت نوجوانان در جنگ نرم است

این فعال فرهنگی در خصوص تغییر نوع جنگ دشمن از جنگ سخت به جنگ نرم و خطراتی که نوجوانان و جوانان امروز را تهدید می کند، اظهار کرد: دشمن در حال حاضر اعتقادات نوجوانان و جوانان ما را مورد هدف قرار داده است و یکی از راه های شکست دشمن در این جنگ، تأسی به شهدا و دوران دفاع مقدس است. شهید فهمیده ها الگوی مقاومت، ایستادگی، شجاعت، سخت کوشی و ایثار هستند.

وی تأکید کرد: امروز دوره ای است که باید تاب آوری و مقاومت را به جوانان یاد دهیم و شهدا بهترین الگو برای جوانان ما هستند که باتاسی از آن ها می توانیم دشمن را در این جبهه ناکام بگذاریم و با تداوم راه شهدا در مقابل دشمن ایستادگی کنیم.

وی دشمن شناسی را عامل دیگر موفقیت در جنگ نرم عنوان کرد و افزود: اعتقاد راسخی داریم که اگر جوانان امروزی دشمن را به خوبی بشناسند، همانند جوانان آن دوران می توانند به وظایف خود عمل کنند چون که در جنگ نرم، دشمن در بسیاری از موارد ناملموس است و جوانان باید دشمن را بخوبی بشناسند و ما نیز باید دشمن را به جوانان امروزی بشناسانیم.

در معرفی و ترویج فرهنگ بسیجی کوتاهی کرده ایم

احمدی با اشاره به اینکه در ترویج و معرفی تفکر بسیجی، فرهنگ شهادت و راه و منش شهدا کوتاهی شده است، گفت: رهبر معظم انقلاب فرموده اند که دفاع مقدس گنجینه بزرگی است اما آیا ما توانسته ایم مرواریدها و جواهرات این گنجینه را استخراج کنیم؟ مروارید و جواهر دفاع مقدس تفکر بسیجی است که ما در این وادی بسیار کوتاهی کرده ایم.

وی ادامه داد: باین همه دیدیم که در موضوع حمله داعش به عراق و سوریه جوانان ما نشان دادند که دنباله رو جوانان دوران دفاع مقدس هستند و اگر عرصه ای باشد این جوانان آماده حضور در آن هستند و لذا باید در جنگ نرم دشمن را بشناسیم و شیوه ی مبارزه بادشمن را نیز یاد بگیریم که متأسفانه در این عرصه تلفات زیادی داده ایم.

استفاده از قالب های هنری، صحبت کردن با زبان لیب و محبت راه های جذب جوانان

وی در خصوص نحوه ی جذب نوجوانان و جوانان و قراردادن آنها در مدار انقلاب نیز گفت: بهترین راه برای ترویج و معرفی زیبایی ها، رشادت ها و دلاوری های رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس استفاده از قالب های مختلف هنر است و به نظر من سینما و صدا و سیما در این موضوع کم کاری کرده اند و ما می توانیم از انواع مختلف قالب های هنر برای رسیدن به این هدف استفاده کنیم.

یادگار دوران دفاع مقدس این دوران را دارای حوادث، فداکاری ها و ایثارگری های زیادی برشمرد و افزود: این ظرفیت را می توان در قالب رمان، فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی نمایش داد و لذا باید از شیوه ها و قالب های مختلف هنری برای ترویج تفکر بسیجی و معرفی زیبایی های دوران دفاع مقدس استفاده کنیم.

وی ادامه داد: به هیچ عنوان نباید به نوجوانان و جوانان امروزی به چشم غریبه نگاه کنیم این نوجوانان و جوانان ذات پاک دارند و مسلمان هستند و نباید با این دید به آن ها نگاه کنیم و باید خودمان را به آن ها نزدیک کرده و با محبت رفتار کنیم و اگر زیبایی های دفاع مقدس را بی پیرایه و بی آرایش به آن ها نشان دهیم، مسلماً قلب های آن ها جذب خواهد شد.

وی با بیان اینکه باید از شیوه ها و راه های مختلف برای معرفی فرهنگ بسیجی به جوانان استفاده کرد، افزود: باید زبان گفت و گو با جوانان امروزی را بشناسیم و توجه کنیم که از راه مناسبی وارد عمل شویم تا بتوانیم به تعهد و وظیفه خود نسبت به نوجوانان و جوانان به خوبی عمل کنیم و بجای بسنده کردن به تذکر ساده، به فکر راه هایی باشیم که بتوانیم به قلب های جوانان و نوجوانان رسوخ پیدا کنیم پس محبت، استفاده از زبان لحن و بکارگیری شیوه های هنری بهترین راه برای جذب جوانان و نوجوانان امروز است.

خانواده رکن تربیت نوجوانان است

این کارشناس مسائل فرهنگی با تاکید بر اینکه خانواده ها در شکل گیری شخصیت نوجوانان تاثیر زیادی دارند، گفت: هسته ی اولیه تربیت یک نوجوان در خانواده شکل می گیرد و لقمه ای که وارد خانه می شود، تاثیرگذار است و کودک ابتدا به رفتار و منش پدر و مادر خود نگاه کرده و از آنها الگو برداری می کند لذا خانواده می تواند با رفتار و شیوه های مناسب کودکان را از خطرات بسیارینجات دهد چون که کودکان از دوران طفولیت در کنار خانواده بزرگ می شوند و صداقت یا دروغ و پاک و یا ناپاکی را از خانواده یاد می گیرند پس خانواده رکن تربیت کودکان است.

به عملکرد نهاد های فرهنگی نمره قبولی نمی دهم

وی با انتقاد از عملکرد نهاد های فرهنگی در خصوص جذب جوانان نیز گفت: من نمی توانم به عملکرد نهادهای فرهنگی در این رابطه نمره قبولی دهم چون که در عملکرد آن ها کوتاهی و قصور می بینم. درحالیکه فرهنگ ما ید بیضایی دارد و غنی است و هر کجا که این فرهنگ نفوذ کند، انقلاب ایجاد می کند. ما با چشم خود دیدیم که شهید ابوترابی ، سید و سالار آزادگان، با رفتار خود زندان بانان وحشی عراقی را تحت تاثیر قرار داد و منقلب کرد.

وی اضافه کرد: اگر نهادهای فرهنگی عملکرد خوبی داشتند، به هیچ عنوان در جنگ نرم دشمن به این اندازه تلفات نمی دادیم. چقدر توانسته ایم از ظرفیت سینما برای معرفی فرهنگ دفاع مقدس استفاده کنیم؟ البته ما دستبوس کسانی هستیم که در این عرصه تلاش کرده اند و باید کسانی مورد مواخذه قرار بگیرند که در این حوزه کار نکرده اند.

در تربیت نیروی انسانی قصور کرده ایم

احمدی گفت: به عنوان مثال من ظهور و بروزی از کارهای فرهنگی وزارت ارشاد را در جامعه نمی بینم و یا سازمان تبلیغات اسلامی و کلاس سایر نهادهای فرهنگی دیگر و اصلاً برایم مفهوم نیست که چه اقداماتی در این خصوص کرده اند و لذا در این موضوع کوتاهی شده است و متأسفانه با وجود داشتن فرهنگ غنی، در تربیت نیروی انسانی قصور کرده ایم و اگر می توانستیم ارزش ها و اعتقادات خود را بی پیرایه نمایش دهیم قطعاً دل های بیشتری را می توانستیم جذب کنیم.

این آزاده دوران دفاع مقدس در پایان به بیان خاطراتی از دوران اسارتش پرداخت و اظهار کرد: بعد از این که به اسارت دشمن درآمدیم ما را به چندین مکان منتقل کردند و در نهایت به محلی در ناصریه آوردند که اسرای عملیات بیت المقدس را در آنجا نگهداری می کردند. در این اردوگاه تعدادی اسرا وجود داشت که هم سن منو در ایام نوجوانی بودند و عراقی ها ما را جمع می کردند و با خود به پادگان های دیگر می بردند تا از این طریق به نیروهای خودروحمیه دهند که نقطه مقابل شما کودکانی هستند که به زور به جبهه ها آمدند.

وی ادامه داد: چون در عملیات بیت المقدس نیروهای رزمندگان اسلام پیشروی زیادی کرده بودند و دشمن طعم شکست را چشیده بود، لذا با این کار می خواستند روحیه ی نیروهای خود را حفظ کنند.

وی افزود: در میان ما رزمنده ای بود که نامش مهدی بود و ۱۳ سال داشت و وقتی که ما را به اردوگاه ها و پادگان های عراقی ها می بردند چون مهدی از همه ما کوچکتر بود، برای او آبمیوه خنک می آوردند و به او اصرار می کردند تا بنوشد و پیش ما شرمنده شود چون که همه ما به شدت تشنه بودیم و لب هایمان از تشنگی خشک شده بود اما مهدی گفت من به شرطی آبمیوه را می نوشم که به دوستانم نیز بدهید و سپس آبمیوه را به سمت عراقی ها پرتاب کرد.

احمدی به سوال یکی از ژنرال های عراقی از مهدی اشاره کرد و گفت: ژنرال عراقی که قصد تحقیر مهدی را داشت، از او پرسید «تو مگر جنگیدن را بلد هستی که به جبهه آمده ای؟» اما مهدی با افتخار در پاسخ به او گفت من کار کردن با همه سلاح ها را بلد هستم حتی می توانم آن تانکی را که تو در کنارش ایستاده ای ، برانم.

وی در پایان اظهار کرد: یکی دیگر از درجه داران عراقی از مهدی پرسید «چرا با این سن کم به جبهه آمده ای تو تکلیفی نداری و اکنون باید درس بخوانی و تفریح کنی» مهدی پاسخ داد « مگر در صحرای کربلا علی اصغر، قاسم و حبیب بن مظاهر حاضر نبودند؟ پس جهاد در راه اسلام سن و سال نمی شناسد» وقتی که عراقی ها نام شهدای کربلا را شنیدند تعجب کردند چون آنها فکر می کردند ما ایرانیها آتش پرست هستیم ولی بعد از شنیدن این صحبت ها بسیار تحت تاثیر قرار گرفتند.